

جهانن

و نهاد خانواده در ایلام

حیران پورنجف

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

جامعه‌پذیری فرآیندی است مشتمل بر آموختن چگونگی تطبیق خود

با الگوهای رفتاری مربوط به بعضی نقشها که جامعه

از افراد انتظار دارد و برای آن جامعه ضرورت دارد

تا بدان وسیله بتواند در طول زمان و به نحوی پایدار خود

خود را بازسازی کند

از سقراط حکیم پرسیدند، چرا بیشتر با جوانان مجالست و همنشینی می‌کنی، پاسخ داد: شاخه‌های نازک و تر را می‌توان راست کرد، ولی چوب‌های سخت که طراوت آنها رفته باشد به استقامت نگریند.

مقدمه و بیان موضوع

ویرجینیا ستیر «Virginia satir» در کتاب «آدم سازی» چنین می‌نویسد: پدران و مادران معلمینی هستند که در مشکلتترین مدرسه دنیا برای آدم‌سازی خدمت می‌کنند. مدرسه‌ای که مدیر، معلم و مستخدم آن خودشان هستند و تعطیلات، ارتقاء مقام و حقوق ندارند. من به این وظیفه به چشم سخت‌ترین، پیچیده‌ترین، پراضطراب‌ترین و پرزحمت‌ترین کار می‌نگرم، این وظیفه به حد اعلائی حوصله، سرسپردگی، خلق خوش، کاردانی، عشق، بینش، آگاهی و دانش احتیاج دارد. در عین حال ممکن است که این وظیفه بهترین پاداش و تجربه شاد یک عمر را در بر داشته باشد.^۱

خانواده را می‌توان به عنوان نظام کنشهای گوناگون و مشخص شده‌ای پنداشت که در درون نظام نقش‌های تعیین شده سازمان یافته است. نظام خانواده از طریق ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به نظام کلی جامعه مربوط می‌شود و در حقیقت نظام جامعه همواره به عنوان گروه مرجعی برای خانواده عمل می‌کند. در نظام خانواده معیارهای مشترکی وجود دارد که هر یک از عناصر تشکیل دهنده این نظام از یکدیگر انتظار دارند که معیارهای مزبور را در کنش‌های خویش رعایت کنند و تا جایی که از این معیارها پیروی می‌شود، نظام اجتماعی خانواده دارای نظم و انسجام خواهد بود. در چنین انسجام و نظم اجباری ساخت دو طرفه‌ای حاکم است که هر یک از اعضاء در ابتدا با درونی کردن این معیارها و

همنوایی با آنها ارزش مشخصی برای خود کسب می‌کنند و در مرحله بعد، پس از اینکه با کنشهای متقابل و بازتابهای تغییر دهنده دیگری برخورد کردند، یک سری مقررات، تکالیف و الزامات حاصل می‌شود.^۲

معمولاً وقتی که فرزندان باهوش، مؤدب و با صداقت و از لحاظ اجتماعی سازگار باشند نقش خانواده بیشتر مورد تأیید قرار می‌گیرد و همین طور هم به هنگام انحراف و عدول از نظام ارزشها و هنجارهای اجتماعی و به بیان دیگر ناسازگاری و بزهکاری فرزندان باز هم نقش و مسئولیت خانواده مشخص می‌گردد.

بدیهی است که خانواده به عنوان یک سیستم پویا، در جریان حیات خود به طور پیوسته در حال تغییر است. این تغییرات بسته به ماهیت خود در برخی از موارد به پویایی سیستم خانواده کمک کرده و زمینه‌های رشد سالم خانواده را فراهم می‌سازند و در برخی موارد دیگر ماهیت این تغییرات به نوعی است که موجب آسیب‌وارد شدن به خانواده و یا زوال آن می‌شود.^۳

مهمترین نظریه‌های مربوط به خانواده و در نتیجه نقشهای زن و مرد را در مطالعات و نظریه‌های دورکیم و پارسونز می‌یابیم. دورکیم نظر خود را در یکی از آثار خویش به نام «تقسیم کار اجتماعی» بیان کرده است. از نظر او در جوامع جدید، زن وظایف عاطفی و مرد وظایف عقلانی را به خود اختصاص داده است. در این جوامع هر فردی به انجام وظیفه‌ای خاص اشتغال دارد و به سهم خود در حیات جمعی مشارکت می‌کند که در نهایت، به انسجام و همبستگی جامعه منجر می‌شود.

از نظر پارسونز خانواده در اجتماعات ابتدایی که از نوع گسترده است، وظایف تولید اقتصادی،

سیاسی دینی، تفریحی و اجتماعی کردن فرزندان را برعهده دارد، اما تفکیک و تخصص در جامعه‌های جدید بسیاری از وظایف خانواده گسترده را به مؤسسات خارج از خانواده منتقل کرده و خانواده را از نوع هسته‌ای یا زن و شوهری کرده است. از نظر پارسونز چنین ساختاری از خانواده را امروز در تمام جوامع پیشرفته می‌توان یافت. وظایف اساسی خانواده در سطح کلان، تولید نسل و تعیین هویت اجتماعی فرزندان و در سطح خرد، اجتماعی کردن کودکان و استحکام و حفظ تعادل شخصیت بزرگسالان است.^۴

خانواده را می‌توان از جهات بسیاری اساس ساخت اجتماعی به حساب آورد. این نهاد کوچک اجتماعی از بدو پیدایش همچون حریم امنی برای اعضای خویش ایفای نقش نموده و کمتر آسیب اجتماعی را می‌توان بیان کرد که از این نهاد تاثیر نگرفته باشد.

نهاد خانواده از آغاز شکل‌گیری خویش بستگی به ساختار اجتماعی، فرهنگی جامعه، دارای شکل و محتوای بخصوصی بوده است. بررسی‌های تاریخی نشان دهنده تغییر و تحولات وسیع در ساختار، کارکرد و جایگاه این نهاد تاریخی می‌باشد. گذر از مراحل زیستی، خانواده مرکب، خانواده زن و شوهری، خانواده گسترده و خانواده هسته‌ای از مهمترین دوره‌های تحولی خانواده در طول تاریخ بشر می‌باشد. که هر کدام از این اشکال، کارکرد وظایف و شیوه ارتباطات خاص خویش را ارائه داده است.

در این مقاله سعی شده است با نگاهی به وضعیت جوانان و دوره جوانی، نظریه‌های مرتبط با نهاد خانواده و فرآیند جامعه‌پذیری و اجتماعی کردن اعضا بخصوص فرزندان در خانواده و نیز رفتارهای تبعیض‌آمیز خانواده در برخورد با فرزندان دختر و پسر خویش، کیفیت تعادل خانواده و جوانان در جامعه ایلام مورد بازنگری واقع گردد. شیوه مطالعه کتابخانه‌ای همراه با مطالعه مشارکتی حاصل از زندگی در جامعه ایلام و برخورد و ارتباط با رفتارهای عینی و واقعی خانواده با اعضا بخصوص نسل جوان و نوجوان خویش در جامعه مذکور می‌باشد. در این راستا ضمن استفاده از منابع

و نظریه‌های مرتبط با موضوع از تجربیات کار مددکاری با معتادین و اقدام‌کنندگان به خودکشی در جامعه ایلام نیز استفاده و بهره‌برداری شده است. اولین امید هر کشور برای رسیدن به پیشرفت، جوانان آن کشور می‌باشند.

هر کشور برای گذشتن از خیل مشکلات خرد و کلان خویش چاره‌ای جز سرمایه‌گذاری روی نیروی جوان خویش ندارد. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست بخصوص که بخش عظیمی از جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهد. جوانان ایران و به تبع جوانان ایلام در تعاملات خود با خانواده و جامعه با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند که بررسی و تحقیق در خصوص علت بروز این مسائل را در سطحی وسیع خواهان است.

جوانی از مهمترین دوره‌های زندگی است که با توجه و عنایت خاص از سوی دین اسلام مواجه می‌باشد. پیامبر اسلام (ص) هفت سال سوم زندگی را دوران مشورت و رایزنی دانستند. حضرت علی (ع) این دوره را به مستی جوانی «سکرالشباب» تعبیر نموده‌اند.

جوانی به عنوان یکی از مهمترین دوره‌های زندگی در هر چارچوب فرهنگی و ساختار اجتماعی به گونه‌ای خاص تعریف می‌شود. برای هر جامعه دوره‌های مختلف زندگی، تعاریف متفاوتی دارد که براساس دیدگاه نسبت به انسان و نیز نظام ارزشها و هنجارهای روئیده در بستر فرهنگی آن جامعه، شکل گرفته است. اما آنچه در تمامی دیدگاهها و تعاریف نسبت به جوان یکسان و همانند است قبول تحول و بحران در ابعاد جسمی و روحی در این دوره از زندگی فرد است.

بحران بلوغ، بحران هویت و متعاقب آن بحران در ارزشها و اعتقادات جوان از مهمترین نشانه‌های تلاطم روحی و جسمی نسل جوان است. فصل طغیان و مخالفت علیه خود و دیگران، علیه باورها و عقاید و خواسته‌های محیط. ورود به دوره نوجوانی و جوانی، فرد را با مشکلات فراوانی دست به گریبان می‌سازد. بررسی این مشکلات مستلزم مطالعه همه جانبه نسلی است که درحال تحول عمیق شخصیتی است. یکی از مهمترین مشکلات نوجوانان و جوانان

پدران و مادران معلمینی هستند که در مشکلترین مدرسه دنیا

برای آدم‌سازی خدمت می‌کنند

جنگ و عوارض آن تمامی بنیانهای اجتماعی از جمله خانواده را بشدت تحت تأثیر قرار داد. شکل خانواده از حالت گسترده و حمایتی آن به علت مهاجرت‌های داخل استانی و خارج استانی دچار تحول شد.

هسته‌های خانوادگی در مهاجرت‌های اجباری به گونه‌ای دچار بحران در کارکرد و عملکرد شدند

نوع جامعه‌پذیری بیشتر توسط مدرسه و رسانه‌های گروهی صورت می‌گیرد.^۷ مهمترین کارگزاران جامعه‌پذیری در جوامع سنتی خانواده و در جوامع نوین، خانواده، مدرسه، گروه همگنان و رسانه‌های گروهی می‌باشند. یکی از نهادهای مؤثر در رفتار جوانان، خانواده است. نهاد خانواده پایه اساسی و سلول سازنده زندگی و حیات بشری است و در وسیعترین مفهوم کلمه، خاستگاه اعضای خویش و پناهگاه آنان است. در مباحث جامعه‌شناسی، خانواده را از دیدگاه مورد توجه قرار می‌دهند.

۱- خانواده به عنوان یک نهاد

خانواده به عنوان یک نهاد مرکب از تعدادی نقش اجتماعی، هنجارها و همچنین ساختارهایی نسبتاً ثابت است. چگونگی روابط نقشها نیز مشخص و معین است. در اکثر جوامع والدین نقش محوری خانواده از نظر تعیین خط‌مشی و تصمیم‌گیریهای را برعهده دارند. فرزندان در چارچوب همین خط‌مشی‌های کلی و منطبق با خواست والدین زندگی می‌کنند. یکی از مهمترین کارکردهای خانواده «جامعه‌پذیر» نمودن فرزندان است که لازمه بقا جامعه می‌باشد. این فرآیند در دو مرحله «یاد دادن» و «کنترل» صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر خانواده رفتارهای مورد نیاز جامعه، همچنین افکار و اندیشه‌های موجود را به فرزندان یاد می‌دهد و در کنار این فرایند، نسبت به فراگیری و عمل بدانها نیز نظارت می‌نماید. از این دیدگاه کلیه رفتارهای افراد یا باید به نوعی با جامعه‌پذیری خانواده ارتباط داشته باشد و یا به نوعی از مسیر کنترل اجتماعی خانواده گذشته باشد و اگر بطور کلی این دو وضعیت وجود نداشته باشد. در این صورت کارکرد نهاد خانواده مختل شده و مستلزم بازنگری اساسی

که در ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با کارکرد خانواده است، مشکل «اجتماعی شدن» است. مشکلی که به راحتی با عدم توانایی خانواده در انجام مهمترین وظیفه‌اش پیوند می‌خورد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: فرزندان خود را به آداب و رسوم خود مجبور نسازید، زیرا آنان برای دورانی غیر از زمان شما خلق شده‌اند و باید متناسب با آن دوران تربیت شوند. یعنی به نوعی جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن بنا به مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی را یادآوری نموده‌اند.

جامعه‌پذیری فرآیندی است مشتمل بر آموختن چگونگی تطبیق خود با الگوهای رفتاری مربوط به بعضی نقشها که جامعه از افراد انتظار دارد و برای آن جامعه ضرورت دارد تا بدان وسیله بتواند در طول زمان و به نحوی پایدار خود خود را بازسازی کند.^۵

جامعه‌پذیری جریانی است که از طریق آن فرد با هنجارهای جامعه آشنا می‌شود. آنها را می‌آموزد و به مرحله اجرا در می‌آورد. گاه فرد در جریان هنجارپذیری با هنجارهای متضادی روبرو می‌شود. در نتیجه فرد داند کدام هنجار را بپذیرد و دچار تعارض می‌شود. به همین دلیل در بسیاری از موارد، میان نسل‌ها ناسازگاری‌های روانی، اجتماعی و اخلاقی بوجود می‌آید و یگانگی اجتماعی در معرض خطر قرار می‌گیرد.^۶

جامعه‌شناسان به دو نوع جامعه‌پذیری معتقدند:

۱- جامعه‌پذیری نخستین که فرآیندی است میان فرد و گروهی که با او در تماس نزدیک هستند. مانند خانواده یا گروه دوستان. در چنین گروه‌هایی است که فرد یاد می‌گیرد چگونه باید رفتار کند.

۲- جامعه‌پذیری دومین: که معمولاً در وضعیتهای رسمی و غیر شخصی روی می‌دهد. این

باز می‌داند که از طریق مبادلات با محیط اطراف مشخص شده‌اند. اصول ساختاری این سیستم‌ها، توانایی ذاتی برای بالیدن، پیشرفت و همچنین بالا بردن سطح توانائیها و استعدادها را داراست.^{۱۰}

خانواده در ایلام (قالب و محتوا)

گفتیم که خانواده به عنوان یک نهاد، گروه و یا سیستم اجتماعی در همه جوامع وجود دارد. و همچنین بیان کردیم که این واحد اجتماعی از دیدگاه هر نظریه و یا تئوری اجتماعی دارای ابعاد کارکرد و ساختار خاصی می‌باشد. لذا با توجه به این زمینه می‌خواهیم وضعیت خانواده در جامعه ایلام و نیز رابطه حساسترین و بحرانی‌ترین نسل موجود یعنی جوانان با این نهاد را مورد بررسی قرار دهیم.

استان ایلام تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به علت در محاق فراموشی قرار گرفتن، دارای روند بطئی و بسیار کند از منظر تغییرات اجتماعی بوده است. بن بست جغرافیایی، نداشتن زیر ساختهای فعال اقتصادی، دور بودن از مرکز، نظام فرهنگی سنتی و عشایری و بسیاری دیگر از تضعیف کننده‌های پیشرفت و توسعه از جمله عوامل مهم و مؤثر در عدم دستیابی این استان به حداقلی از رشد و توسعه در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و متعاقب آن شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران این استان نیز همچون سایر استانهای درگیر مسئله جنگ به نوعی در معرفت تغییرات و تحولات و اثرات این پدیده‌های اجتماعی قرار گرفت. انقلاب و دستاوردهای آن توجه به مناطق محروم و دور افتاده‌ای چون استان ایلام را سرلوحه اقدامات خویش قرار داد و از سوی دیگر جنگ تحمیلی بخش عظیمی از استان ایلام را درگیر اثرات مستقیم و غیر مستقیم خود ساخت، و مجموعه این عوامل که همراه با خود نتایج و پیامدهای مثبت و منفی فراوانی را به منطقه ارائه داده بود، زمینه ساز بروز مسایل و مشکلاتی شد که این استان تنها پس از پایان جنگ و گذشتن از دوران بازسازی متوجه نموده‌های آن گردیده که دیگر برای پیشگیری زمان و فرصت از دست رفته بود و تنها در بعد راهکاری

۲- خانواده به عنوان یک گروه اجتماعی

در درون یک گروه اجتماعی نظیر خانواده، روابط معینی بین اعضاء وجود دارد. و اگر روابط بین اعضاء یک گروه متواتر و عمیق باشد پابندی به هنجارهای همان گروه بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر اگر در یک گروه اجتماعی اعضاء زمان بیشتری را با همدیگر بگذرانند و کارهای مختلفی از جمله ورزش، دیدوبازدید، مطالعه و ... را با هم انجام دهند، وابستگی متقابل آنان به همدیگر بیشتر خواهد شد و در این صورت خودبخود هم مقررات و هنجارهای خانواده از سوی همه رعایت می‌گردد و هم نقش کنترل خانواده، مخصوصاً والدین بیشتر خواهد بود. اما اگر در این گروه، کشش و جاذبه لازم و کافی برای نگهداری اعضاء (فرزندان) وجود نداشته باشد و یا روابط گروهی به نوعی تنظیم شود که آنان در حاشیه قرار گیرند در این صورت یا دچار آشفتگی‌های روانی خواهند شد و یا از طریق سایر گروههای اجتماعی نظیر گروه دوستان جذب خواهند شد و در نهایت هر دو وضعیت به یک سرانجام منتهی می‌شود و آن شدت گرفتن احتمال ابتلاء به انحرافات اجتماعی است.^۸

در عصر حاضر، نقشها و مسایل خانواده و روابط درونی و بیرونی آن، دستخوش دگرگونیهای بسیار شده است. برخی آن را نهادی رو به تضعیف یا حتی رو به زوال می‌پندارند که کارکردهای اصلی آن به تدریج به نهادهای دیگر محول شده و برخی دیگر عقیده دارند که خانواده روزگار ما نهادی استوارتر، سالمتر و پیشرفته‌تر از گذشته است. یکی از مهمترین نظریه‌های مربوط به روابط خویشاوندی در جامعه شهری، تز تالکوت پارسونز است که معتقد است: فرایند توسعه صنعتی به بروز انشقاق در خانواده منجر شده است و علت این تحول، نخست جدا ساختن خانواده از شبکه خویشاوندی و سپس تقلیل گروه خانگی به خانواده تک هسته‌ای کوچک بوده است.^۹

«لودویک وان برتالانفی» پایه گذار نظریه سیستم‌ها، خانواده را متعلق به نوعی از سیستم‌های

اولین امید هر کشور برای رسیدن به پیشرفت،

جوانان آن کشور می‌باشند

و عملکردی نیاز به توجه و التفات به تمامی معنا را می‌طلبد.

جنگ و عوارض آن تمامی بنیانهای اجتماعی از جمله خانواده را بشدت تحت تاثیر قرار داد. شکل خانواده از حالت گسترده و حمایتی آن به علت مهاجرت‌های داخل استانی و خارج استانی دچار تحول شد. هسته‌های خانوادگی در مهاجرت‌های اجباری به گونه‌ای دچار بحران در کارکرد و عملکرد شدند. نبود حمایت‌های عاطفی و خانوادگی نظام گسترده در غیاب و فقدان سازمانهای جایگزین خانواده به نوعی سردرگمی و بحران در روابط میان اعضاء ایجاد نمود. از طرف دیگر ایجاد ارتباط و قرار گرفتن در معرض ارتباطات فرهنگی و اجتماعی که جزء اجتناب‌ناپذیر مهاجرت به شمار می‌آید به گونه‌ای دیگر سازمان اجتماعی - فرهنگی که خانواده براساس آن بنیاد نهاده شده بود را دستخوش تغییر نمود. خانواده‌ای که در بستر فرهنگ بسته و ساده و آسانگیر نظام نظام ایلی و عشایری پا گرفته بود به ناگاه با ارتباط با دیگر جوامع (ناشی از مهاجرت) نگاهی تازه و نو به خود و اعضاء و محیط اجتماعی پیدا کرد و نتیجه آن شد که بعد از جنگ و اتمام بازسازی مناطق جنگی، اکثر خانواده‌ها به ایلام برگشتند و یا اگر بازگشتی در کار بود همراه با خود دیدگاهی دیگر نسبت به زندگی هدیه آورد. تغییر و تحول در نیازها، خواسته‌ها، شیوه زندگی، تفریحات و اوقات فراغت از سوی آنانی که از مناطق خارج از استان بازگشته بودند از یک طرف و اسکان دائمی مهاجرینی که از روستاها و مناطق حاشیه‌ای به شهرستانها و یا مرکز استان مهاجرت کرده بودند، نوعی دوگانگی و حتی چندگانگی در نظام‌های خانوادگی ایجاد نمود. همچنین تغییر در ارزشها و اهمیت یافتن ارزشهایی چون مادیات، پول، رفاه و دیگر مظاهر مادی

زندگی همراه با تضعیف روحیه ساده‌زیستی که ناشی از فرهنگ سنتی بود، در مجموع بافت و ساختار زندگی خانوادگی در استان ایلام را دستخوش تغییر و تحولات عمیق و گاه مضر نموده و اینک در این برهه از زمان خانواده در استان ایلام در وضعیتی بینابین قرار گرفته است. از یکسو در شکل و ظاهر، نسل جدید دارای نظام خانوادگی هسته‌ای است؛ هرچند در سطح وسیعی شاهد وجود خانواده گسترده می‌باشیم، ولی آنچه که در هر شکل از نظام خانواده بیشتر مورد اهمیت قرار می‌گیرد. کارکرد و وظایف این نهاد اجتماعی است. اما شواهد عینی نشان می‌دهد که زوجین فقط مکان و شکل ظاهری خانواده هسته‌ای را برگزیده‌اند و کارکرد این خانواده که در نهایت باید افرادی مستقل و متکی به نفس را به جامعه تحویل دهد، دچار اختلال گردیده است. چرا که یکی از محسنات خانواده گسترده حمایت از فرد در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی، مذهبی و... می‌باشد. و در چنین خانواده‌ای فرد در بروز مشکل کمتر دچار آسیب می‌گردد زیرا این نوع خانواده با کارکردهای وسیعی که دارد آنچنان شبکه قوی از ارتباط میان اعضای خویش ایجاد می‌کند که فرد به راحتی می‌تواند طرح مشکل کرده و منابع کمکی را برای حل مشکل خویش به خدمت گیرد. اما در خانواده هسته‌ای که متناسب با نوع جوامعی است که سازمانهای موازی با نهاد خانواده، قسمت و یا بخش اعظمی از وظایف خانواده را به عهده می‌گیرند، فرد در شبکه ارتباطی محدودی از اعضای خانواده قرار می‌گیرد. لذا نوع جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن در هر کدام از این دو نوع خانواده متفاوت از همدیگر می‌باشد.

در استان ایلام و بخصوص در شهر ایلام به علت زمینه‌های مطرح شده اشکال متفاوتی

از خانواده مشاهده می‌گردد که دچار سردرگمی و آشفتگی در یافتن راهی مناسب برای برقراری ارتباطی منطقی و موفق میان اعضاء بخصوص والدین و جوانانش می‌باشد. گسترش روزافزون ارتباطات با خارج از استان، در معرض تغییر و تحولات قرار گرفتن ناشی از برخی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی استان (نظیر تأسیس و یا گسترش نهادهایی چون دانشگاه و...)، دستیابی آسان به فرآورده‌های صوتی و تصویری، عدم هماهنگی میان پیشرفت در ابعاد مادی و معنوی فرهنگ (پس افتادگی فرهنگی)، دوگانگی در جامعه‌پذیری و اجتماعی کردن فرزندان (دختر و پسر) علیرغم تأکید بر تفاوت‌های هوشی و نه جسمی و جنسی برای دستیابی به اهداف توسعه و... از جمله عواملی است که در دهه اخیر زمینه ساز بروز انحرافات و آسیب‌های اجتماعی شدیدی در استان شده که ریشه‌یابی این مشکلات ناتوانی و ناکارایی خانواده را در همراهی و همگامی با زمان و مقتضیات آن نشان داده است.

موفقیت و یا عدم موفقیت هر نهاد را می‌توان در بازتاب رفتار و اعمال اعضایش که وظیفه اجتماعی کردن آنها را به عهده داشته است، جستجو کرد.

بدیهی است که انسان در جریان تولد و تکامل خویش دوره‌های متفاوتی را پشت سر می‌گذارد: کودکی، جوانی، میانسالی و کهنسالی مهمترین دوره‌های حیات بشر را تشکیل می‌دهند، که هر دوره با تفاوت‌هایی در ظاهر جسمانی، خلقیات، تواناییها، آرزوها و ایده‌ها و نیز رفتارها و عکس‌العملهای خاص از سایر دوره‌ها متمایز می‌گردد. و می‌توان دوره‌های حیات انسان را به فصول کاشت، داشت و برداشت تقسیم نمود. جوانی را می‌توان فصل برداشت خانواده و جامعه از محصول فرهنگی و اجتماعی خود دانست. در این دوره است که خانواده و جامعه بزرگتر می‌تواند به ارزیابی فعالیت خود در حیطه پرورش و اجتماعی کردن اعضایش بپردازد. که اگر غفلت نموده باید مکافات پس دهد و اگر هوشیاری، دقت و زمان شناسی داشته باشد. با رضایت و خشنودی به عصاره تلاش خویش نظر نموده و بر توانایی

و بالندگی خویش مباحثات کند.

ساخت پدرسالارانه حاکم بر خانواده‌ها همراه با ضعف در رشد عاطفی اعضاء، یکی از مهمترین جنبه‌های شناختی است که در بررسی مسایل و مشکلات جوانان در استان ایلام باید به آن توجه شود.

تبعیض جنسی و برتری دادن و توجه بیشتر نشان دادن به فرزندان ذکور نسبت به فرزندان مؤنث نیز یکی دیگر از ضعفهای کارکردی خانواده در جامعه ایلام است که این مشکل نیز به نوبه خود هم میزان انحرافات در میان دو جنس را افزایش داده و هم زمینه ساز مشکلات دیگری در جامعه جوان ایلام گردیده است.

اصطلاح تبعیض یا «Discrimination» در مرسومترین معنایش به نحوه برخورد نامطلوب با دسته‌های معینی از اشخاص در جهات و زمینه‌های تحکم آمیز دلالت می‌کند. این اصطلاح به فرایند یا شکلی از کنترل اجتماعی اشاره می‌کند که برای حفظ فاصله اجتماعی میان دو یا چند دسته یا گروه از طریق اتخاذ شیوه‌هایی کم و بیش نهادی یا عقلانی شده سودمند است. شیوه‌های بکارگرفته شده متضمن اسناد خودسرانه صفت زیردستی در زمینه‌هایی است که ربط چندانی با رفتار حقیقی افراد مورد تبعیض ندارد و غالباً با عقاید پذیرفته شده در باره عدالت و انصاف در تضاد است.^{۱۱}

یکی از مهمترین مسایل جامعه‌شناسی معاصر نابرابریهای اجتماعی است. این نابرابریها ناشی از ویژگیهای خاص افراد مثل جنس، سن، نژاد، قومیت و مذهب‌اند. به این معنی که افراد و جامعه به سبب جنسیت خاص (زن یا مرد) یا به علت قرار گرفتن در رده‌های سنی متفاوت یا برحسب نژاد و قومیتی که دارند، یا مذهب خاصی که پیرو آن هستند، از نظر پایگاه اجتماعی پایین‌تر از بقیه قرار می‌گیرند و از برخی از مزایای اجتماعی محروم می‌شوند یا برعکس از مزایای اجتماعی خاص و بالایی برخوردار می‌شوند.

یکی از اصول تربیت، داشتن رفتار عادلانه و به دور از هرگونه تبعیض در میان فرزندان است نداشتن عکس‌العمل یکسان در برابر رفتارهای یکسان فرزندان، موجب بی‌اعتمادی و کاهش علاقه نسبت

موفقیت و یا عدم موفقیت هر نهاد را می‌توان در بازتاب رفتار و اعمال اعضایش

که وظیفه اجتماعی کردن آنها را به عهده داشته است، جستجو کرد

در طی چند دهه اخیر به علت قرار گرفتن استان ایلام در مسیر تحولات

ناشی از انقلاب اسلامی و نیز پدیده جنگ تحمیلی، نهاد خانواده نیز

همچون سایر نهادهای موجود در استان دستخوش تغییر و تحولاتی گردیده است

که آثار و نشانه‌های این تغییرات را می‌توان در روند تحرکات اجتماعی،

انحرافات اجتماعی و نیز مسایل و معضلات اجتماعی مشاهده نمود

در مطالعه‌ای که در شهر اصفهان صورت گرفته است. نتیجه گرفته شده که ۵۰ درصد از دانش آموزان معتقدند والدین بین آنها تبعیض قایل می‌شوند و ۷۰ درصد نیز ایشان را خشک و بی‌روح دانسته و ۶۰ درصد نیز اظهار کرده‌اند که والدین آنها را در تصمیم‌گیریهای شرکت نمی‌دهند. ۱۲

جوانان هم به سهم خود رفتار والدین را قبول ندارند و آنانرا از نظر نوع رفتار تأکید نمی‌کنند. تجزیه و تحلیل رفتار در ۶۲۳ خانوار در تهران نشان داد که فرزندان، رفتار والدین خود را کاملاً تأیید نمی‌کنند. اکثریت آنان رفتار والدین را قبول ندارند و حتی مایل نیستند که همان رفتار را به فرزندان خود منتقل نمایند. ۳۲ درصد از پسران و ۳۳ درصد از دختران در مطالعه مذکور به رفتار والدین خود اصلاً اعتماد نداشته‌اند و این خلاء بزرگی است که بین فرزندان و والدین آنان وجود دارد.

در بررسی رابطه فرد (جوان) با نهاد خانواده آنچه بایستی مورد توجه قرار گیرد، زمینه و فضای فرهنگی-اجتماعی است که آن فرد و نهاد اجتماعی را در بر گرفته است و اگر فرهنگ را به معنای «ارزشهایی که یک گروه معین دارد و هنجارهایی که از آنها پیروی می‌کند» در نظر بگیریم و این تعریف را به متن زندگی اجتماعی و فرهنگی جامعه ایلام تعمیم دهیم، آنگاه با شناختی که از این طریق حاصل می‌شود، می‌توان ارتباط جوانان با نهاد خانواده را در چنین جامعه‌ای بهتر درک نمود.

مشاهده روزافزون آسیبها و انحرافات اجتماعی در میان جوانان در اشکال خودکشی، قتل، دزدی، اعتیاد، بی‌عفتی و... می‌تواند انعکاس و برآیند ناکارایی خانواده چه در ابعاد ساختاری و چه در بعد کارکردی باشد و برآستی آیا خانواده در جامعه ایلام نهادی آموزش دیده و توانمند برای انجام وظایف متناسب با فرهنگ موجود (جامعه درحال گذار) ایلام می‌باشد؟ چه کسی یا چه جریانی می‌تواند

به پدر و مادر و ایجاد کینه نسبت به خواهر یا برادری است که بیش از دیگری مورد توجه قرار می‌گیرد.

در بعضی از خانواده‌های ایلامی (حتی در کل کشور) والدین میان دختر و پسر خود تبعیض قایل می‌شوند و حتی گاهی این مسئله را آشکارا بر زبان می‌آورند و از اینکه مثلاً صاحب فرزند دختر شده‌اند، اظهار ناخشنودی می‌کنند و زن را موجودی بدبخت می‌دانند. بعضی دیگر جانب دختر را گرفته و در صورت بروز اختلاف، همواره سرزنش را متوجه پسر می‌کنند. این گونه برخوردها از نظر تربیتی اثرات ویرانگری دارند که باید بکلی از آنها پرهیز کرد.

خانواده‌ها چه آگاهانه و یا ناآگاهانه برای دختر و پسر خود حقوق مساوی قایل نیستند و آنها را مانند یکدیگر تربیت نمی‌کنند. به این ترتیب پایه‌های تفاوت جنسی در خانواده گذاشته می‌شود.

با آنکه والدین مهمترین عامل اجتماعی کردن فرزندان هستند ولی نباید تاثیر جامعه را نادیده گرفت. خانواده به عنوان بخشی از جامعه‌ای بزرگتر، تحت تاثیر هنجارها، ارزشها و انتظارات فرهنگی معین در یک دوره تاریخی معین است. علاوه بر این اجتماعی کردن فرزندان در خانواده فرآیندی دو سویه است و خصوصیات کودک با خصوصیات و نحوه فرزندپروری والدین در کنش متقابل است.

کیفیت تعامل عاطفی والدین بر رفتار فرزندان با خود آنها و دیگران تاثیر می‌گذارد. والدینی که دوست داشتنی و گرم هستند فرزندان دوست داشتنی و اجتماعی دارند و والدین سرد و منزوی، فرزندان اخمو و منزوی تحویل جامعه می‌دهند. اما وقتی والدین فرزندان خود را دوست بدارند ولی برای آنها هیچ محدودیتی قایل نشوند، فرزندان خود را وابسته، خودمخور و فاقد وجدان اخلاقی بار می‌آورند.

خانواده‌های ایلامی را یاری دهد تا در انجام مهم‌ترین وظیفه و کارکرد خویش یعنی اجتماعی کردن فرزندان، موفق باشند؟ و به بیان دیگر آیا خانواده‌ها برای اجتماعی کردن و آموزش دادن به اعضاء جدید و متناسب با مقتضیات زمان، به درستی تربیت شده‌اند؟ و به عبارت دیگر آیا آنان خود تربیت شده و آموزش دیده هستند که بتوانند نسلی را اجتماعی کنند یا خیر؟ مگر نه اینکه والدین امروز همان جوانان و نوجوانان دیروز هستند؟ اگر در آموزش آنان در گذشته اهمال و کوتاهی شده امروز باید چکار کرد تا نسل جدید آسیب نبیند؟ آیا خانواده‌های ایلامی نیاز به جامعه‌پذیری مجدد خویش برای افزایش توانمندی در برخورد و همراهی و همدلی فرزندان را احساس نموده یا خیر؟ و آیا می‌توان این خانواده را به لزوم بازنگری در برخی ارزشها و هنجارها و نگرش نسبت به جوانان متقاعد نمود. به نحوی که بتواند در ایجاد ارتباط با جوانانش مجادله و فشار را فراموش و به گفتگو و مفاهمه روی آورد. و جوانش را در یابد و با او همدل گردد و به جوانش اعتقاد و ایمان داشته باشد و در برخورد با او گذشت زمان و تغییرات اجتناب‌ناپذیر را دریابد و به اظهار نظرهایش احترام گذاشته و اعمال و عقایدش را انکار ننماید؟

بحث و نتیجه گیری

خانواده در ایلام به عنوان یک نهاد قدیمی و کهن در طی سالها و قرن‌ها دستخوش تغییر و تحولات ساختاری و کارکردی گردیده است. این نهاد اجتماعی در برهه‌ای از زمان فراگیرترین نهاد حاکم بر فرد و روابط فردی و اجتماعیش بوده است و کارکردهای مختلف عاطفی، حمایتی، اقتصادی، آموزشی، مذهبی و ... خود را به خوبی انجام داده و اعضاء خود را بخوبی بر طبق ارزشها و هنجارهای فرهنگی حاکم، اجتماعی نموده است. در طی چند دهه اخیر به علت فرار گرفتن استان ایلام در مسیر تحولات ناشی از انقلاب اسلامی و نیز پدیده جنگ تحمیلی، نهاد خانواده نیز همچون سایر نهادهای موجود در استان دستخوش تغییر و

تحولاتی گردیده است که آثار و نشانه‌های این تغییرات را می‌توان در روند تحولات اجتماعی، انحرافات اجتماعی و نیز مسایل و معضلات اجتماعی مشاهده نمود.

خانواده در ایلام در ارتباط با جوانان و نسل جوان خویش دچار نوعی آشفتگی گردیده است که مستندات آن را می‌توان در افزایش آمار خودکشی بخصوص در سنین ۳۰ - ۱۵ سال، (نقطه اوج خودکشی در میان زنان جوان و متأهل واقع در سنین ۳۰ - ۱۵ سال می‌باشد) اعتیاد، طلاق، دزدی قتل و بی‌عفتی و ... جستجو نمود.

آشفتگی ارتباط جوانان با نهاد خانواده را می‌توان در علائمی از قبیل:

۱ - پایین بودن ارزش شخصی جوانان در خانواده‌ها،

۲ - وجود ارتباطات غیر مستقیم، مبهم و نادرست میان جوانان و خانواده،

۳ - حاکم بودن قاعده‌های خشک و ناسازگار در خانواده،

۴ - ایجاد ارتباط مبتنی بر ترس و خشم و سرزنش بین خانواده، جوانان و اجتماع،

مشاهده نمود. که این نوع روابط معمولاً ریشه در عدم رشد عاطفی و کارکردی خانواده‌ها دارد که هنوز نتوانسته‌اند براساس تغییرات زمان و مقتضیات این تغییرات برای اعضاء و فرزندان بخصوص جوانان کانون مهر و الفت باشند؛ احساس تعلق به گروه را در آنان تقویت ننماید. احساس همدلی به معنای دنیا را از چشم دیگران نگریستن را در آنان تقویت کند. از مشارکت جوانان در حل مسایل و مشکلات خانواده استقبال نماید، در اعتقادات و باورهایش ثبات نشان دهد در برخورد با رفتار انحرافی اعضایش احساسات را کنترل نماید، تلفیقی از روابط عاطفی، منطقی و آمرانه را در ارتباط با فرزندانش بکار گیرد، مقتضیات زمان را درک و نیاز به انطباق و سازگاری با تغییر و تحولات اجتناب‌ناپذیر دنیای جدید را دریابد، میان توسعه در ابعاد مادی و معنوی فرهنگ خویش تناسب و هماهنگی برقرار سازد. (دچار پس‌افتادگی فرهنگی نباشد)، در جامعه‌پذیری

خانواده‌ها چه آگاهانه و یا ناآگاهانه برای دختر و پسر خود حقوق مساوی

قابل نیستند و آنها را مانند یکدیگر تربیت نمی‌کنند

چاره اندیشی برای نزدیک ساختن انسانها به همدیگر چه در بعد خانوادگی و چه در بعد اجتماعی هرگز امری میسر و قابل دستیابی نیست. و اینک در این برهه از زمان که اندیشمندان علوم اجتماعی هنوز هم خانواده را به عنوان نهادی کارکردی و توانا در جوامع پیشرفته می‌دانند که تغییر در شکل آن (گسترده به هسته‌ای) رازز مقتضیات زمانی و مکانی می‌دانند لازم است در جوامع سنتی و یا در حال گذاری چون ایلام نیز که نهادهای اجتماعی جایگزین خانواده وجود ندارد در تقویت این نهاد اجتماعی کوشش و اهتمام بیشتری صورت گیرد.

پیشنهادها

در جهت افزایش ارتباط خانواده با اعضا بخصوص در سنین بالا (جوانی) نگارنده معتقد است که راه‌حلهای مشروحه ذیل می‌تواند راهنما و راهگشای مسئولین باشد:

۱- اصلاح روابط خانوادگی از طریق برنامه‌های آموزش خانواده در ایجاد ارتباط با اعضای خود. به گونه‌ای که بحث و جدل و منازعه تبدیل به مفاهمه و دوستی و تبادل اندیشه باشد.

۲- ارائه الگوهای مناسب جهت سرمشق‌گیری خانواده‌ها و اعضا از طریق ارائه فیلم‌ها و نمایش‌هایی که در آنها به گونه‌ای مشخص درمیان خانواده ارتباط مستقیم، واضح، صریح و صادقانه برقرار باشد.

۳- افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها در زمینه ایجاد ارتباط با جوانان که در نهایت باعث ایجاد قاعده‌های انعطاف‌پذیر، انسانی و قابل تغییر در خانواده شود. از طریق برنامه‌های کوتاه مدت و یا پخش بروشورهای آموزش خانواده از طرف نهادهای مرتبط مانند سازمان بهزیستی، آموزش و پرورش، ارشاد اسلامی و صدا و سیما...

۴- اصلاح اجتماعی و ایجاد زمینه مساعد

اعضایش میان دختر و پسر بودن آنها تفاوت قایل نشود، به فرزندان پسر آزادی بی‌حد و حصر ندهد و دخترانش را محدود و محصور نسازد و به عبارت دیگر با تقویت علم و آگاهی و نهادینه کردن ارزشهای اصیل اعتقادی نوعی مصونیت اجتماعی و اخلاقی در آنان ایجاد نماید که در صورت قرار گرفتن در شرایط مساعد برای انحراف، با آگاهی و عقیده و ایمان به توانایی‌های انسانی خویش دچار لغزش و خطا نگردد. و خانواده همپا و همگام با نیازهای متغیر زمان جامعه‌پذیری مجدد خویش را در سرلوحه اقدامات خویش قرار دهد.

طفیان و عصیان جوانان که معمولاً در قالب انحرافات خود را نشان می‌دهند به نوع خاص روابط متقابل خانواده، روابط والدین با همدیگر، روابط با اعضا و فرزندان و نیز دختر یا پسر بودن و نیز جامعه‌ای که در آن بزرگ شده‌اند وابسته است. شواهد حاکی از این است که برای خانواده‌های ایلامی زنگ خطر مدتهاست که به صدا درآمده است و این هشدار به خانواده‌هایی است که با اصرار کور به اعتقادات و باورهای گذشته و غیر کاربردی خویش، بزرگ شدن فرزندان را نمی‌بینند و فاصله وجدایی میان خود و فرزندان را متوجه نمی‌شوند چرا که خانواده موجود، خانواده‌ای توانا در ابعاد ساختاری و کارکردی نیست و بی‌توجهی و عدم اقدام در جهت آموزش خانواده‌ها و متعاقب آن نسل جوان برای درک و همدلی با یکدیگر به گونه‌ای که هم جوان به برخی از رفتارهای ضد اجتماعی و اخلاقی خویش پی‌برد و هم خانواده به ضعف‌ها و عدم توانایی‌ها و گاهی اهمال و بی‌توجهی‌های خویش در برخورد با جوانان و دیگر اعضایش واقف گردد، می‌توان گره کور مسایل اجتماعی در جامعه ایلام را پیچیده‌تر از قبل نموده و خانواده را به زوال و نیستی بکشاند. چرا که توسعه و پیشرفت در ابعاد انسانی و اجتماعی بدون توجه به علل مسایل و معضلات موجود و بدون

تربیتی از طریق بازنگری در محتوای کتب درسی متناسب با مناطق و فرهنگ‌های رایج محلی و منطقه‌ای به نحوی که هم فرهنگ و ارزشهای موجود یک منطقه به یکباره با بی‌اعتمادی و بی‌اعتقادی اعضا روبرو نشود و هم افراد فرصت مناسب جهت هماهنگی و همراهی با مظاهر فرهنگ مدرن را داشته باشند.

۵- مبارزه با فقر و بیکاری و پر کردن اوقات بیکاری (فراغت) جوانان از طریق سازمانهای ذیربط با محتوای آموزش در زمینه چگونگی برخورد با مشکلات، ایجاد ارتباط با خانواده و محیط و....

بی‌نویس‌ها:

«این مقاله در همایش «جوانان ایلام، چالش‌های امروز و زندگی فردا» که توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام در ۲۹/۱۰/۷۹ برگزار گردید، جهت چاپ در مجموعه مقالات پذیرفته شد.

۱- ستیر، ویرجینیا، آدم‌سازی. ترجمه بهروز بیرشک، چاپ سوم، انتشارات رشد، ۱۳۷۶. صص ۲۲۴-۲۲۳.

۲- بخشی، حبیب، خانواده و اعتیاد، چاپ اول، انتشارات سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی، تهران، ۱۳۷۸. صص ۱۲۶-۱۲۴.

۳- بیرامی، منصور، نقش خانواده در وابستگی نوجوانان و جوانان به مواد مخدر، مجموعه مقالات سمینار مربوط به اعتیاد جوانان، تبریز، ۱۳۷۷. صص ۴۷۷.

۴- آقابخشی، همان منبع - صص ۹۱-۹۰.

۵- مور، استفن و همکاران، دیباچهای بر جامعه‌شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ اول، ۱۳۷۶ صص ۳۰.

۶- وثوقی، منصور و نیک خلق، علی‌اکبر، مبانی جامعه‌شناسی، چاپ هفتم، انتشارات خردمند، ۱۳۷۳ - صص ۱۲۸.

۷- قنادان، منصور و همکاران، جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی) چاپ دوم، انتشارات آوای نور، تهران ۱۳۷۶ صص ۱۰۳-۱۰۲.

۸- ظروفی، مجید، اعتیاد در خانواده، مجموعه مقالات سمینار بررسی علل اعتیاد جوانان، تبریز، ۱۳۷۷ - صص ۳۱۶-۳۱۱.

۹- سگالن، مارتین، جامعه‌شناسی خانواده، چاپ اول، نشر مرکز، ۱۳۷۶. صص ۸۸.

۱۰- اقلیا، مصطفی، تکنیک‌های ارتباط با فرد و خانواده، چاپ اول - انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی- ۱۳۷۶- صص ۲۳.

۱۱- گولدا، جولویس، و کلب، ویلیام، م.ل، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه گروه مترجمین، چاپ اول، تهران ۱۳۷۶ - صص ۲۱۲.

۱۲- کرباسی، منیژه، خانواده و اعتیاد، مجموعه مقالات سمینار بررسی علل اعتیاد جوانان، تبریز ۱۳۷۷ - صص ۲۸۹-۲۸۶.

منابع و مأخذ مورد استفاده:

۱- احمدی، سید احمد، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، چاپ اول، انتشارات مشعل، ۱۳۶۸

۲- آقا بخشی، حبیب، خانواده و اعتیاد، چاپ اول، انتشارات سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم پزشکی و توان بخشی تهران، ۱۳۷۸

۳- اقلیا، مصطفی، تکنیک‌های ارتباط با فرد و خانواده، چاپ اول انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی، ۱۳۷۶

۴- بیرامی، منصور، نقش خانواده در وابستگی نوجوانان و جوانان به مواد - مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل مربوط به اعتیاد جوانان تبریز، ۱۳۷۷.

۵- سادات، محمدعلی، آموزش خانواده، چاپ پنجم، شماره ۷، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، دیماه ۷۶

۶- سازمان بهزیستی استان ایلام، گزارش برنامه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، ۱۳۷۶

۷- سام آرام، عزت‌الله، فقر عاطفی در خانواده، چاپ اول، انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۵

۸- سگالن، مارتین، جامعه‌شناسی خانواده، چاپ اول، نشر مرکز، ۱۳۷۶

۹- ستیر، ویرجینیا، آدم‌سازی، ترجمه بهروز بیرشک، چاپ سوم، انتشارات رشد، ۱۳۷۶

۱۰- ظروفی، مجید، اعتیاد در خانواده، مجموعه مقالات سمینار بررسی علل اعتیاد جوانان تبریز، ۱۳۷۷

۱۱- قنادان، منصور و همکاران، جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی) چاپ دوم، انتشارات آوای نور، تهران ۱۳۷۶.

۱۲- کرباسی، منیژه، خانواده و اعتیاد، مجموعه مقالات سمینار بررسی علل اعتیاد جوانان - تبریز، ۱۳۷۷

۱۳- گولدا، جولویس و کولب، ویلیام، م.ل، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه گروه مترجمین، چاپ اول - تهران ۱۳۷۶

۱۴- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۴

۱۵- مور، استفن و همکاران، دیباچهای بر جامعه‌شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ اول، ۱۳۷۶ صص ۳۰

۱۶- نوایی‌نژاد، شکوه، آموزش خانواده، پاییز ۷۵، چاپ ششم شماره ۵، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان

۱۷- وثوقی، منصور و نیک خلق، علی‌اکبر، مبانی جامعه‌شناسی، چاپ هفتم، انتشارات خردمند، ۱۳۷۳ - صص ۱۲۸